



Role of Idea Ppsychologist of Disconnection and Rejection in Creating of Pproblems of the First Ccharacter of Barid Aal-Layl Novel

Tahereh Jahantab ¹, Ahmadreza Heidaryan Shahri ², Bahar Seddighi ³,
Hosein Seyedi ⁴
(71-88)

Abstract

Brid al-Layl is the narration of exposing and undressing the intellectual rumination of characters whose unhealthy social and insanitary cultural conditions of their surroundings, as well as the gaps in it, have underlied the appearance of multiple psychoses in their existence. Hoda Barakat, the author of the novel, pays great attention to creating of the thoughts of these characters, as well as their individual and interpersonal actions, That Reveals the necessity of doing a research with psychological approach. In the forthcoming research that has been written by analyzing content method and ways, we want to use the same method disclose The set of factors involved in creation Schema domains of Disconnection and Rejection and his early maladaptive schemas into first character created in this novel. Then we want to analyze schemas of his mind and coping style using for encountering this schemas and difficulties that occurred as a result of conflict of this schemas and coping styles. Results of this analysis show that: writer of this novel chose the suitable subject for showing manner of Occurrence and happening schema domain of Rejection, character with suppressed kind feeling and emotions that was left in childhood and lived alone with many psychological problems and difficulties. This situation cause schemas Abandonment occupy most of his mind state. Also copying of his mother behavior encourage him to use more coping styles Extreme Schema Compensation for contrasting with his schemas. Although in adulthood the situation was provided for him to receive affection and attention but cognitive distortion inhibit betterment of his schemas. The collection of this schemas and coping styles cause problem in cognitive, emotional and intra persons approach and lead to problems and form and bring abnormal and unusual thoughts and feelings in his mind and inhibit building a correct relationship with other people.

Keywords: Psychology, Character, Schemas, Coping styles, Barid al-layl.

Received: 30, August, 2021; Accepted: 21, November, 2022

10.22059/jalit.2022.329694.612442
Print ISSN: 2382-9850/Online ISSN: 2676-7627
<http://jalit.ut.ac.ir>

1.Ph.D. Candidate at the Department of Arabic Language and literature in the Faculty of Literature and Humanities University of Ferdowsi, Mashhad, Iran.

2.Corresponding author: heidaryan@um.ac.ir

Associate Professor at the Department of Arabic Language and Literature in the Faculty Literature and Humanities University of Ferdowsi, Mashhad, Iran.

3.Assistant at the Department of Arabic Language and Literature in the Faculty Literature and Humanities University of Ferdowsi, Mashhad, Iran.

4.Professor at the Department of Arabic Language and Literature in the Faculty Literature and Humanities University of Ferdowsi, Mashhad, Iran.

نقش انگاره روان‌شناختی بریدگی و گسست در شکل‌گیری مشکلات نخستین

شخصیت رمان «برید اللیل»

طاهره جهانتاب^۱

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

احمدرضا حیدریان شهری

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

پهار صدیقی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

حسین سیدی

استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

علمی - پژوهشی

چکیده

برید اللیل روایت جامه برکشیدن از نشخوارهای فکری کاراکترهایی است که شرایط نابسامان اجتماعی و فرهنگی محیط پیرامونی‌شان، زمینه‌ساز پدیدآیی روان‌پریشی‌های متعددی در آن‌ها گشته است. دقت و نکته‌سنجی فراوان نویسنده رمان، هدی برکات، در پرداخت افکار شخصیت‌ها و نیز کنش‌های فردی و بین‌فردی آن‌ها، ضرورت انجام پژوهشی با رویکرد روان‌شناسی را آشکار می‌کند. در پژوهش پیش‌رو که به شیوه تحلیل محتوا نگاشته شده است، بر آنیم تا با رویکردی این‌چنینی، از مجموعه عوامل دخیل در شکل‌گیری حوزه طرح‌واره طرد و بریدگی در وجود نخستین شخصیت پرداخته‌شده در این رمان پرده برداشته و طرح‌واره‌های شکل‌گرفته در ذهن او و سبک‌های مقابله‌ای به کار گرفته‌شده برای رویارویی با این طرح‌واره‌ها را بررسی کنیم و مشکلاتی که از برخورد این طرح‌واره‌ها و سبک‌های مقابله‌ای رخ نموده را تحلیل و واکاوی نماییم. نتایج پژوهش حاکی از آن است که: نویسنده رمان برای به تصویر کشیدن نحوه پدیدآیی حوزه طرح‌واره طرد و بریدگی، سوژه مناسبی را برگزیده است، شخصیتی با عواطف و احساسات سرکوب‌شده که در کودکی رهاشده و در تنهایی به گذران زندگی پرداخته است. این شرایط سبب شده که طرح‌واره رهاشدگی بیشترین بخش از فضای ذهنی او را اشغال کند. الگوبرداری از رفتار مادر نیز، او را ترغیب کرده که جهت مقابله با طرح‌واره‌هایش، بیشتر از سبک مقابله‌ای جبران افراطی بهره بجوید. مجموعه این طرح‌واره‌ها و سبک‌های مقابله‌ای، منجر به بروز مشکلاتی در حیطه‌های شناختی، عاطفی و بین-فردی وی شده است.

واژه‌های کلیدی: روان‌شناسی، شخصیت، طرح‌واره، سبک‌های مقابله‌ای، برید اللیل.

۱. مقدمه

ویلیام هزلیت (۱۸۳۰ - ۱۸۷۸) در تعریف رمان چنین می‌گوید که: «رمان داستانی است که بر اساس تقلیدی نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته‌شده باشد و به نحوی از انحاء تصویر جامعه را در خود منعکس کند» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۴۷۲). همین الگوبرداری از

جامعه سبب می‌شود که رمان متناسب با تغییرات جوامع، تحولات بسیاری را پشت سر گذراند. یکی از اجزای اصلی رمان که از این تغییرات در امان نیست، شخصیت است. آشننگی‌های انسان امروزی که با پای نهادن به دوران مدرن از آرامش و یکپارچگی خاطر فاصله گرفته، نویسندگان دوران مدرنیته را ترغیب کرده است که از شخصیت‌های تک‌بعدی و عاری از دغدغه‌های ذهنی گذر کرده و به شخصیت‌های روی آوردند که لایه‌های مختلف ذهن و پیچیدگی‌های رفتاری انسان را به‌خوبی به تصویر کشند. برای نشان دادن این پریشیدگی‌ها، هیچ‌چیز همچون دانش روان‌شناسی نمی‌تواند به یاری نویسندگان بشتابد؛ از این رو نویسندگان بسیاری برای پرداخت شخصیت‌هایشان از این ابزار کمک گرفته‌اند. از جمله این نویسندگان، هدی برکات است. برکات در رمان *برید اللیل* خویش، مشکلات جوامع عرب را از طریق شخصیت‌هایی به تصویر می‌کشد که از نظر ذهنی آشفته‌اند. دقت نظر فراوان وی در به تصویر کشیدن واگویه‌های ذهنی این شخصیت‌ها؛ نگارندگان را بر آن داشت تا از بُعد روان‌شناسی به این رمان نظر افکنند و نخستین شخصیت رمان را بسان شخصیت حقیقی در نظر گرفته و از علل رفتارهای نابهنجار وی پرده بردارند. پس از دقت در رفتارهای شخصیت مذکور، این نکته محرز شد که رفتارهای نابهنجار وی، ریشه در خاطرات و هیجانات منفی دوران کودکی او دارد. همین امر، ذهن نویسندگان را به سمت رویکرد «طرح‌واره درمانی» جفری یانگ (۱۹۵۰م) سوق داد، رویکردی که نقش تجارب دوران کودکی را بر عملکرد افراد بسیار مؤثر می‌داند. از این رو در این مقاله بر آن شدیم تا مطابق با این رویکرد و بر اساس شیوه تحلیل محتوا، به بررسی این شخصیت بپردازیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پس از بررسی‌های صورت گرفته این نکته محرز شد که تاکنون پژوهش‌های محدودی پیرامون رمان *برید اللیل* برکات نگاشته شده است، از جمله این پژوهش‌ها، مقاله اکرم روشنفکر و فاطمه قربانی با عنوان «سبک هدی برکات در روایت جنگ (بررسی داستان حجرالضحک)» است. نویسندگان این مقاله، سبک ادبی و نحوه به‌کارگیری عناصر داستان را در این رمان بررسی کرده‌اند. فاطمه عابدینی و همکاران نیز در مقاله «بررسی روایت اپیزودی در رمان «برید اللیل از هدی برکات» به بررسی مؤلفه‌های روایت اپیزودی در این رمان پرداخته‌اند. سمیه خداوردی و همکاران نیز در مقاله «تجلیات المیتاسرد فی روایة - برید اللیل - لهدی برکات» ویژگی‌های فراداستان را در این رمان پست مدرنیسمی پی گرفته‌اند، اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها از منظر روان‌شناسی به بررسی شخصیت‌های

رمان مذکور نپرداخته‌اند. از آنجایی که این رمان، رمانی شخصیت محور با گرایش‌های روانشناسی است، ضروری به نظر می‌رسد که شخصیت‌های این رمان با رویکردی این‌چنینی بررسی شوند.

۲. چارچوب نظری پژوهش

«نقد روان‌شناختی، یکی از رویکردهای نقد ادبی معاصر است که به فهم بهتر آثار ادبی و کشف درون-مایه‌های آن کمک می‌کند» (صالحی و باقری، ۱۴۰۰: ۸۹). بنیان‌گذار این نوع نقد، زیگموند فروید است. وی به‌عنوان «بنیان‌گذار مکتب روانکاوی، پایه‌های این علم را بنا نهاد و شاگردانش، این دانش را به رشد و بالندگی رساندند» (عموری و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۰). او اعتقاد داشت انسان، بیش از هر چیز تحت تأثیر غرایز خویش است، اما روانشناسان پس از وی «بر این باور بودند که طبیعت انسانی قابل تغییر و دگرگونی است و روابط بین‌فردی، تأثیر مهمی را بر این تغییرات بر جای می‌گذارد» (عباس، ۱۹۹۶: ۱۱۲). از جمله این روانشناسان جفری یانگ است. «وی متعاقب نظریه‌های شناختی آسیب‌پذیری روانی و با وام‌گیری از دیدگاه پیاژه، نظری را در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه گسترش داد» (بیرامی، ۱۳۹۱: ۶۶). «طرحواره‌ها ساختار یا چارچوبی‌اند که در سال‌های اولیه زندگی بر اساس تجربه کودک و اطرافیان او شکل می‌گیرند و به تبیین تجارب و پردازش رویدادها کمک می‌کنند» (قهاری، ۱۳۹۶: ۱۶). این طرحواره‌ها به دو دسته، طرحواره‌های سازگار و ناسازگار تقسیم می‌شوند. «طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند و در سیر زندگی تداوم دارند و به شدت ناکارآمدند» (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰).

افراد به منظور انطباق و رویارویی با این طرحواره‌ها، متناسب با شخصیت خویش، پاسخ‌ها و سبک‌های مقابله‌ای ناسازگاری را به کار می‌گیرند، این سبک‌ها عبارت‌اند از: ۱. جبران افراطی ۲. اجتناب و ۳. تسلیم، که خود این سه سبک به جای بهبود طرحواره، باعث تداوم آن و نیز زمینه‌ای برای بروز اختلالات شخصیتی و تعارضات درونی می‌شود. در ادامه پس از نگاهی گذرا به رمان *برید اللیل* برکات، از ریشه‌های تحولی شکل‌گیری حوزه طرح‌واره بریدگی و طرد و طرح‌واره‌های مربوط به آن در ذهن نخستین شخصیت این رمان پرده برداشته، سپس سبک‌های مقابله‌ای به کار گرفته‌شده جهت رویارویی با این طرحواره‌ها را بررسی می‌کنیم و نحوه بروز آن را در زندگی شخصی وی پی می‌گیریم.

۳. گذاری بر زندگی و رمان «برید اللیل» هدی برکات

«هدی برکات نویسنده، رمان‌نویس، و فمینیست لبنانی است که سال ۱۹۵۲م در بیروت زاده شد» (زین، ۲۰۰۷: ۱۶). تاکنون «شش رمان، دو نمایشنامه، یک مجموعه داستان و یک خودنگاره تاکنون از او منتشر شده است» (جلد کتاب پست شبانه، ۱۳۹۸).

رمان برید اللیل او روایتگر پنج نامه و شش متن است. نامه‌هایی که هر یک، پای نامه‌ای دیگر را به میان می‌کشند. وی با به‌کارگیری اسلوب نامه‌نگاری، شخصیت‌های بی‌نام و نشانی را به مخاطب خویش عرضه می‌دارد که پس از گذراندن فراز و نشیب‌های زندگی، درمانده و مأیوس به غریب‌آشناترین افراد زندگی خویش روی آورده و داد سخن از ناملایمات زندگی سر می‌دهند، ناملایماتی که ریشه در زیست اجتماعی‌شان دارد. وی در این اثر روایی، جهان بحران‌زده عربی را به تصویر کشیده و با خلق تیپ‌های شخصیتی نابسامان، تبعات روانی ناشی از جنگ و مهاجرت‌های اجباری را به تصویر کشیده است. در حقیقت داستان او صبغ‌ای رئالیسمی دارد، اما صبغ‌ای که شیوه نگرش ما به واقعیت را غنا می‌بخشد که این امر ناشی از درآمیختن ادبیات با روان‌شناسی است. برخورداری از ساختاری ساده، توجه به شخصیت‌پردازی به جای حادثه‌آفرینی و پرهیز از قهرمان‌پروری، رنگ و بوی خاصی به این اثر داده و موجب شده است که مخاطبین به راحتی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند.

۴. مفهوم‌سازی مشکلات نخستین شخصیت رمان برید اللیل

در هیاهوی آمد و شد انسان‌ها، گاه کنش‌هایی نظر انسان را به خود جلب می‌کند که با سنجه‌های اخلاقی و عقلانی رایج سازگاری ندارد، رفتارهای نخستین کاراکتر رمان برید اللیل، نمونه‌ای از این دست کنش‌هاست. در پس این کنش‌ها، عوامل تبیین‌پذیر فراوانی به چشم می‌خورد که قابل تأمل و بررسی است. از این رو در ادامه جهت دستیابی به علل این گونه رفتارها، به بررسی الگوهای ناکارآمد زندگی او که منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه شده می‌پردازیم.

۴-۱. ریشه‌های تحولی حوزه طرح‌واره نخستین شخصیت رمان برید اللیل

نظریه یانگ به پنج نیاز هیجانی اساسی کودک در رابطه با والدین و محیط اشاره می‌کند. یکی از این نیازها، نیاز به دل بستگی ایمن به دیگران، شامل نیاز به امنیت، ثبات، محبت و پذیرش است، نیازی اساسی که نخستین شخصیت رمان برید اللیل در ارضای آن ناکام مانده است. دلیل این ناکامی به دوران کودکی وی برمی‌گردد، آنگاه که از دریافت محبت و توجه از سوی مهم‌ترین پایگاه عاطفی خویش یعنی مادر محروم می‌گردد و به دور از محیط ایمن خانواده رشد می‌کند. این «محرومیت از محبت در دوران کودکی، تأثیر مهم و همیشگی را بر تحول شخصیت بر جای گذاشته» (نایت و نایت، ۱۹۹۳: ۳۰۳) و سبب شکل‌گیری حوزه طرح‌واره بریدگی و طرد در ذهن وی گشته است، حوزه طرح‌واره‌ای که بیشتر در افرادی به چشم می‌خورد که «خانواده‌های اصلی آن‌ها معمولاً بی‌ثبات، بدرفتار، سرد و بی‌عاطفه،

طرد کننده یا منزوی هستند» (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷). شخصیت مذکور نیز که دوران کودکیش را در چنین بستر بی‌ثباتی گذرانده، درگیر این طرح‌واره گشته است.

۲-۴. حوزه طرح‌واره بریدگی و طرد نخستین شخصیت رمان برید اللیل

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد شخصیت مذکور در چنگال حوزه طرح‌واره بریدگی و طرد گرفتار آمده است. این حوزه طرح‌واره، مانع برقراری دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخش وی با دیگران گشته است؛ چراکه افرادی که چنین طرح‌واره‌ای دارند «معتقدند که نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد و در بزرگسالی تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه خود آسیب‌رسان به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند» (همان: ۳۶-۳۷). همان‌گونه که این کاراکتر نیز در خلال نامه‌ای که خطاب به شریک جنسی-عاطفی خویش نگاشته است، با بیان عبارت (إحدى صديقاتي النساء) به داشتن روابط متعدد با زنان مختلف اشاره می‌کند.

طرح‌واره‌های مربوط به این حوزه که در افکار این شخصیت به چشم می‌خورند عبارت‌اند از: ۱. رهاشدگی و بی‌ثباتی ۲. بی‌اعتمادی و بدرفتاری ۳. محرومیت هیجانی ۴. نقص و شرم ۵. انزوای اجتماعی. در بخش‌های بعدی به بررسی این طرح‌واره‌ها در وجود او می‌پردازیم.

۳-۴. خاطرات یا تصاویر ذهنی مهم دوران کودکی نخستین شخصیت رمان برید اللیل

مهم‌ترین تصویری که در خاطر این شخصیت بازآفرینی می‌شود و یادآوری آن، حس ناخوشایند ترس و انزجار را برای او به ارمغان می‌آورد، تصویر مقطعی از کودکی است که به دلیل تنگدستی، از سوی مادر در قطاری نهاده شده و به بهانه دانش‌اندوزی به مقصدی ابدی روانه می‌گردد.

۴-۴. تحریف‌های شناختی نخستین شخصیت رمان برید اللیل

بالبی (۱۹۷۳) معتقد است که موجودات انسانی، برانگیخته می‌شوند تا تعادلی پویا بین آشنایی و تازه‌جویی برقرار کنند. به زبان پیازه‌ای، شخص برانگیخته می‌شود تا تعادل بین درون‌سازی (تلفیق کردن اطلاعات جدید در ساختارهای شناختی موجود) و درون‌سازی (تغییر ساختارهای شناختی متناسب با اطلاعات جدید) را حفظ کند. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، این تعادل را به هم می‌زنند. افرادی که تحت تسلط طرح‌واره‌های خود هستند، به‌جای این‌که اطلاعات جدید را به شیوه‌ای درون‌سازی کنند که طرح‌واره و تحریف‌هایشان را تأیید نکند، شواهد جدید را نادیده می‌گیرند و در نتیجه طرح‌واره‌هایشان همچنان دست‌نخورده باقی می‌ماند (همان: ۸۴-۸۵).

حوزه طرح‌واره نگارنده نخستین نامه این رمان نیز مانع برون‌سازی تجارب جدید در ساختارهای شناختی وی شده است؛ بدین معنا که ذهن وی تنها به اطلاعاتی توجه می‌کند که مهر تأیید بر طرح‌واره‌های وی بزند و شواهد نقض‌کننده طرح‌واره‌ها را نادیده

می‌گیرد و یا اینکه متناسب با طرح‌واره‌های خود، آن را سوءتعبیر می‌کند. نمونه‌ای از تحریف شناختی را می‌توان در این بخش دید:

«أريد أن أبعدك عني، أروي لك نكاتاً كنت رويتها مراراً؛ أو أصف خلف النافذة و أقول شيئاً عن الطقس في الخارج، كي أذكرك بالخارج؛ بوجوب الخروج... يجرحني في العمق أنك لا تعترضين على أسلوبى المشين، لا تعضبين و لا تشتمينى و ترجعين إليّ كأنّ شيئاً لم يكن. تبّاً. كيف تقبلين؟ لماذا لا تحبينى؟» (بركات، ۲۰۱۸: ۲۲).

(می‌خواهم که تو را از خودم دور کنم، مسائلی را به تو می‌گویم که بارها آن را روایت کرده‌ام یا پشت پنجره می‌ایستم و چیزی دربارهٔ آب‌وهوای بیرون می‌گویم تا به تو بیرون را یادآوری کنم و اینکه باید بروی. در درون، این مسئله مرا بسیار ناراحت می‌کند که به خاطر رفتار زشت من اعتراض نمی‌کنی و خشمگین نمی‌شوی و دشنام نمی‌دهی و به‌سوی من برمی‌گردی، گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است، لعنت بر تو! چگونه قبول می‌کنی؟ چرا مرا دوست نداری؟). عدم اعتراض طرف مقابل به رفتارهای آزاردهندهٔ شخصیت مذکور، از تیپ مهر طلب وی سرچشمه می‌گیرد، مهر طلب بر فردی اطلاق می‌شود که «تمنیات، خواسته‌ها و رفتارش را مطابق با تمنیات، خواسته‌ها و رفتار دیگران شکل می‌دهد و می‌پروراند و احتیاج شدیدی به جلب محبت و تأیید و تصویب دیگران دارد» (هورنای، ۱۳۶۱ الف: ۳۸-۴۲)، اما ذهن این شخصیت که درگیر تحریف شناختی است، چشم‌پوشی‌های طرف مقابل در برابر رفتارهای دگر آزارندهٔ خویش که ناشی از تیپ شخصیتی وی است، را نشانگان بی‌توجهی و سرد مهری او انگاشته و این امر ترس‌های درونیش را تشدید کرده و سبب برانگیختگی حوزهٔ طرح‌وارهٔ بریدگی و طرد گشته است.

۴-۵. سبک‌های مقابله‌ای نخستین شخصیت رمان برید اللیل

تمام موجودات زنده در مقابل تهدید، سه واکنش اساسی نشان می‌دهند: جنگ، گریز و میخکوب شدن. این سه واکنش با سه سبک مقابله‌ای جبران افراطی، اجتناب و تسلیم همخوانی دارد. وقتی بیماران تسلیم طرح‌واره می‌شوند، به درست بودن آن گردن می‌نهند. وقتی بیماران، سبک مقابله‌ای اجتناب را به کار می‌برند، افکار و تصاویر طرح‌واره برانگیزان را بلوکه می‌نمایند. [اما وقتی افراد] سبک مقابله‌ای افراطی را به کار می‌برند از طریق فکر، احساس و روابط بین‌فردی به گونه‌ای با طرح‌واره می‌جنگند که انگار طرح‌واره متضادی دارند (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۱).

شخصیت مذکور نیز جهت مقابله با طرح‌واره‌های ذهنیش، به جای در پیش گرفتن کنش‌هایی که به نتایج منطقی منجر شود و به احساسات او یا دیگران خدشه وارد نکند، از سبک‌های مقابله‌ای بهره می‌جوید که نه تنها مشکلاتش را به شکلی زیربنایی برطرف نمی‌کند، بلکه بر شدت آن افزوده و طرح‌واره‌هایش را هر چه بیشتر تقویت می‌کند. این

سبک‌های مقابله‌ای در سه حیطة شناختی، عاطفی و بین‌فردی جلوه می‌کند. در ادامه با نگرستن به مشکلات فعلی این شخصیت، به بررسی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های مقابله‌ای که در ایجاد این مشکلات نقش بسزایی داشته‌اند، می‌پردازیم.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که سبک‌های به کار گرفته‌شده توسط این شخصیت، حاصل تعامل بین خلق‌و‌خو و الگوسازی از رفتار والدینش است، اما از آنجایی که ابزار سنجش کافی برای تعیین خلق‌و‌خوی فطری افراد وجود ندارد، از بررسی معیار مذکور خودداری کرده و تنها به بررسی عوامل محیطی بسنده کرده‌ایم.

۴-۶. مشکلات فعلی نخستین شخصیت رمان برید اللیل

۴-۶-۱. عدم برقراری روابط صمیمانه با دیگران

طرح‌واره‌های مربوطه: ۱. طرد و رهاشدگی، ۲. انزوای اجتماعی، ۳. نقص و شرم / سبک مقابله‌ای: اجتناب

شخصیت مذکور با سبک مقابله‌ای اجتناب از برقراری روابط صمیمانه با دیگران امتناع می‌ورزد: «لا أسکت لآئی لا أريد أن أترك لك نافذة مفتوحة على الحميمية. فالحميمية ورطة. و الكلام بالصوت المنخفض بين رأسين متقاربين، من نوع الاعترافات لكسر العزلة» (همان: ۱۱). (ساکت نمی‌نشینم؛ چرا که نمی‌خواهم با این سکوت پنجره‌ای به سمت صمیمت باز کنم. صمیمیت، مهلکه‌ای است و گفتگو بین دو تن که سرهایشان را به هم نزدیک کرده‌اند و با صدایی آرام صحبت می‌کنند، به اعترافاتی می‌ماند که جهت شکستن تنهایی است). روابط صمیمانه هم‌زمان می‌تواند سه طرح‌واره را در درون وی فعال کند: طرح‌واره رهاشدگی و بی‌ثباتی، طرح‌واره انزوای اجتماعی و طرح‌واره نقص و شرم. روابط مستمر و صمیمی نقش بسزایی در فعال شدن طرح‌واره رهاشدگی شخصیت مذکور دارند؛ چراکه این‌گونه روابط می‌توانند منجر به احساس وابستگی شوند و این وابستگی در صورتی که منتهی به جدایی شود، ضربه محکمی بر ساختار ذهنی وی وارد می‌کند؛ بنابراین از این نوع روابط دوری می‌کند تا دیگر بار، طعم تلخ رهایی را نچشد. از سوی دیگر این صمیمیت، برانگیزاننده طرح‌واره انزوای اجتماعی است. این شخصیت در تنهایی و بدون داشتن هیچ‌گونه همراهی رشد و نمو یافته و این مسئله، زمینه‌ساز شکل‌گیری طرح‌واره انزوای اجتماعی در درونش گشته است، «طرح‌واره‌ای که در آن فرد احساس می‌کند که با تمام گروه‌ها بیگانه شده است. روابط صمیمانه اندکی دارد یا تقریباً روابطش را با تمام افراد قطع کرده است» (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶۰)؛ برای رویارویی با این طرح‌واره، شخصیت مذکور به کمک سبک مقابله‌ای اجتناب تلاش می‌کند تا زنجیره‌های صمیمیت بین خود و محبوبه را بگسلاند و از لحاظ عاطفی، فاصله خود را با او نگه دارد. همان‌گونه که در این بخش شاهد این مسئله هستیم: «لکن، حين شممت رائحة الثوم في ال «بيت» قررت أن تمادیک أصبح في حاجة الى وقفة؛ إلى جردة شاملة. أن تقلى

بیضاً، أو تفتحی علبه سردین، لا بأس. لكن الثوم؟ الثوم یعنی طَبِیخاً، استیطاناً صریحاً» (برکات، ۲۰۱۸: ۱۹). (ولی زمانی که بوی سیر در خانه به مشامم خورد، مصمم شدم که از دوام این رابطه ممانعت به عمل آورم. این که تخم‌مرغ آب‌پز می‌کنی یا در قوطی کنسرو ساردین را باز می‌کنی اشکالی ندارد، اما سیر؟ سیر یعنی غذا، یعنی سکنی گزیدنی بی‌پرده). این بخش از نامه، عدم تمایل فرد را برای ورود به روابط صمیمانه به تصویر می‌کشد که با توصیفات مطرح‌شده دربارهٔ بیماران دارای طرح‌وارهٔ انزوای اجتماعی و سبک مقابله‌ای اجتناب آنان شباهت بسیاری دارد.

از سوی دیگر روابط صمیمی می‌تواند برانگیزانندهٔ طرح‌وارهٔ نقص و شرم شوند، در این طرح‌واره، افراد «احساس می‌کنند که ناقص، بد، حقیر یا بی‌ارزش‌اند» (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). همان‌گونه که شخصیت مذکور در بخش‌های مختلف نامه به برشمردن نقص‌های خویش می‌پردازد: «لأنتی شخص قَلِقٌ و مُتَقَلِّبٌ» (برکات، ۲۰۱۸: ۱۴). «زیرا من شخصی نگران و دمدمی هستم». وجود این طرح‌واره سبب شده که وی احساس کند، اگر خود را در معرض نگاه دیگران قرار دهد، بدون شک طرد می‌شود (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸)؛ بنابراین از این‌گونه روابط کناره‌گیری می‌کند تا دیگران متوجه نقص‌های او نشوند. در حقیقت در این بخش دو طرح‌وارهٔ رهاشدگی و نقص در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند.

۴-۶. حسادت نسبت به هم‌جنسان و داشتن رفتارهای ناپهنجار در موقعیت‌های رقابت برانگیز
طرح‌واره‌های مربوطه: طرح‌وارهٔ رهاشدگی و بی‌ثباتی و طرح‌وارهٔ نقص و شرم/ سبک مقابله‌ای: جبران افراطی

وجود طرح‌وارهٔ رهاشدگی سبب می‌شود که فرد پیوسته دغدغهٔ از دست دادن معشوقه را داشته باشد، حال اگر در این بین، پای رقیب عشقی به میان آید، این طرح‌واره حکم باختن در میدان پیکار را در همان ابتدا صادر می‌کند. به ویژه آنکه این شخصیت، علاوه بر طرح‌وارهٔ رهاشدگی، درگیر طرح‌وارهٔ نقص و شرم نیز هست و این طرح‌واره نیز باور شکست در این مبارزه را تقویت می‌کند. طرح‌واره‌ای که در آن فرد «تمایل زیادی به مقایسهٔ خود با دیگران دارد» (همان: ۲۵۷)؛ بنابراین به راحتی درگیر احساس رقابت با رقیب‌های عشقی می‌شود و هرگاه در چنین موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد، رفتارهای ناپهنجاری را از خود نشان می‌دهد، همان‌گونه که در بخشی از نامه می‌بینیم که از خوش‌گذرانی طرف مقابل با مردان دیگر خشمگین می‌شود: «لا تعرفین، مثلاً، آنی، عندما تضحکین عالیا لرجل آخر، یعن لی أن أضعک... أغار لأنتی أحتقر المحيطین بها، لا لأنتی أخشاهم» (برکات، ۲۰۱۸: ۲۳-۲۴). (نمی‌دانی مثلاً هنگامی که با صدای بلند به مرد دیگری می‌خندی، دلم می‌خواهد کشیده‌ای به صورتت

بزنم. من از این جهت غیرتی می‌شوم که اطرافیانت را حقیر و پست می‌دانم، نه اینکه از آنها واهمه‌ای داشته باشم). توجه معشوقه به مردان دیگر، تداعی‌گر بی‌توجهی‌های مادر در کودکی است و این مشابهت رفتاری سبب فعال شدن دو طرح‌واره رهاشدگی و نقض و شرم گشته است. وی در مقابل این طرح‌واره‌ها از سبک جبران افراطی بهره جسته است. به‌کارگیری این سبک سبب شده تا وی بر حسادت خود که از نا‌ارزنده دانستن خویش و ترس رها شدن سرچشمه می‌گیرد، با خودشیفتگی سرپوش نهد و این‌گونه نشان دهد که وی جایگاه مردان دیگر را بسی پایین‌تر از خود می‌داند و توجه معشوقه به آنها را برنمی‌تابد. این در حالی است که در بخش‌های متعددی از این نامه به‌وضوح شاهد این مسئله هستیم که خود حقیقی وی، سطح خود را نسبت دیگران بسیار پایین می‌داند؛ به‌عنوان نمونه: «بما آتی لا ألیق بک، و بما آتی ضدّ اللباقة و لم أتعلمها من أحد» (همان: ۲۴). (از این جهت که من شایسته تو نیستم و ضد شایستگی هستم و از کسی آن را یاد نگرفتم). این بخش از سخنان شخصیت بر طرح‌واره نقض و شرم وی مهر تأیید می‌زند.

۴-۶-۳. بدبینی نسبت به دیگران

طرح‌واره‌های مرتبط: بی‌اعتمادی و بدرفتاری / سبک مقابله‌ای: جبران افراطی

داشتن دوران کودکی سخت و متعاقب آن مواجهه با دردها و بدرفتاری‌های متعدد سبب شده که طرح‌واره بی‌اعتمادی و بدرفتاری در درون این شخصیت شکل بگیرد. طرح‌واره‌ای که در آن انتظار می‌رود «دیگران با کوچک‌ترین فرصت سوءاستفاده کنند، آسیب بزنند، تحقیر کنند، دروغ بگویند، بدرفتاری کنند، فریب دهند یا دست بیندازند» (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷). شخصیت مذکور نیز به دلیل داشتن این طرح‌واره، پیوسته در انتظار ضربه خوردن از جانب دیگران است؛ بنابراین می‌کوشد دیگران را بیازماید تا از صداقت گفتار و رفتار آنها اطمینان حاصل کند. در حقیقت «بیمارانی که طرح‌واره بی‌اعتمادی/ بدرفتاری دارند، اغلب حالت پارانوئیدگونه دارند: آنها دائم دیگران را آزمایش می‌کنند و در پی جمع‌کردن شواهد هستند که ببینند آیا مردم ارزش اعتماد کردن دارند یا نه» (همان: ۲۴۷-۲۴۸). همان‌گونه که این شخصیت به اشکال گوناگون در پی آزمودن عشق شریک جنسی-عاطفیش نسبت به خویش است و در این بین هیچ اهمیتی نمی‌دهد که این رفتار ممکن است به احساسات طرف مقابل خدشه وارد کند: «ألا ترین آتی لا أجهد فی إخفاء علاقاتی بنساء أخريات؟ أتحسین آتی أمیزک لآتی أخبرک عنهن؟ أصطفیک؟» (برکات، ۲۰۱۸: ۲۳). ترجمه: «آیا نمی‌بینی که هیچ‌گونه تلاشی نمی‌کنم تا ارتباطم را با زنان دیگر پنهان کنم؟ آیا گمان می‌کنی که تو را ترجیح می‌دهم تا به تو درباره آنها بگویم؟ تو را انتخاب می‌کنم؟». به نظر می‌رسد شخصیت مذکور در پس این اعتراف، علاوه بر کشتن بذر امید مانایی و پایایی در این رابطه، قصد سنجش میزان علاقه معشوقه و برانگیختن اعتراض او را دارد، اعتراضی که حس دوست داشته شدن از جانب معشوقه را القا کند، هر

چند که به هدف خویش دست نمی‌یازد. این بخش از نامه، تصدیق‌کننده این ادعا است: «لماذا لا تكونين أنتِ سبب ذلك الأرق؟ لماذا لا تحاولين استردادی من انشغالی بامرأة أخرى تطير النوم من عيني، مثلاً؟» (همان: ۱۴). (چرا تو دلیل آن شب‌بیداری نباشی؟ چرا تلاش نمی‌کنی تا مرا از مشغول شدن به زنی دیگر که به عنوان مثال خواب را از چشمانم ربوده است باز بداری؟). این مقدار از تردید نسبت به دریافت توجه و محبت دیگران، نشان از وجود طرح‌واره بی‌اعتمادی و بدرفتاری دارد. این اعترافات با سبک مقابله‌ای جبران افراطی توصیف‌شده برای بیماران درگیر طرح‌واره بی‌اعتمادی و بدرفتاری نیز همسو است. بدین گونه که شخصیت مذکور برای مقابله با این طرح‌واره پیش از اینکه معشوقه به او خیانت کند، به وی خیانت کرده و با زنان مختلف وارد رابطه جنسی می‌شود و فرصت پیش‌دستی در این کار را از او می‌گیرد.

۴-۶-۴. نگرانی برای مورد قبول واقع نشدن از جانب دیگران

طرح‌واره مربوطه: محرومیت هیجانی / سبک مقابله‌ای: اجتناب

نیاز به دریافت محبت و دوست داشته شدن، از جمله حیاتی‌ترین نیازهای بشر است که حس ارزشمند بودن را برای او به ارمغان می‌آورد، به‌ویژه آنگاه که این محبت از جانب افرادی باشد که پیوندی عمیق با انسان دارند. یکی از این افراد مادر است که پیوسته مظهر عشق بوده است. اما این عشق در زندگی شخصیت مورد نظر جریان نداشته و «این حالات ناکارآمد مادر سبب به وجود آمدن یک ندای منفی درونی شده است که به طور مرتب و دائم به او یادآوری می‌کند که بسیار بد و بی‌ارزش هست و هرگز از طرف دیگران پذیرفته نشده و هیچ کس او را دوست نخواهد داشت» (جکوب و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶-۶۷) و این باور، منجر به شکل‌گیری طرح‌واره محرومیت هیجانی در وجودش شده است، طرح‌واره‌ای که در آن انتظار می‌رود «تمایل فرد برای برقراری رابطه هیجانی با دیگران به طور کافی ارضاء نشود» (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷). این شخصیت حتی پیش از جدایی از مادر نیز، درگیر این طرح‌واره شده است، همان‌گونه که در گفته‌هایش به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کند: «كانت تُعنى بالداجاة المريضة، تحملها النهار بطوله... تصلى للنعجة التي تتعسر ولادتها... إلا أنا. أياماً عديدة لم تكن تلتفت ناحيتي. كانت تدلق المياح الساخنة على رأسي و تصرخ في إن ابكيت. أنا، لم يكن لي أي فائدة» (بركات، ۲۰۱۸: ۱۸).

ترجمه:

«به جوجهٔ مریض توجه می‌کرد، در تمام طول روز او را در آغوشش داشت... برای میشی که زایمانش سخت بود، دعا می‌کرد... به‌جز من. روزهای بسیاری به من بی‌توجه بود. آب داغ را روی سرم می‌ریخت و اگر شکایت می‌کردم سرم داد می‌کشید. من مطلقاً به حالش فایده‌ای نداشتم.»

این محرومیت‌ها و بی‌توجهی‌ها، احساس بی‌ارزشی و ناخواستنی بودن را در وجود وی به ودیعه نهاده است؛ چراکه «کودکی که از سوی والدینش طردشده و در مواقع نیاز پاسخ مناسب دریافت نکرده است، احساس می‌کند که اساساً قابل خواستن نیست» (خجوی و ایزدی‌خواه، ۱۳۹۶: ۵۴) و دیگران نیز همچون مادر، وی را دچار محرومیت عاطفی خواهند کرد. بنابراین پیوسته در ارتباط با دیگران دغدغه دوست داشته شدن و مورد توجه واقع شدن را دارد و این احساس به همه روابط او نفوذ می‌کند. نمونه‌ای از این دغدغه‌مندی را در این قسمت می‌توان دید: «يجب أن تتواضع قليلاً. ليس الحد التذلل، فقط ما يلمح إلى التعلق قليلاً بي. لا حاجة إلى أن أذكرك أنّي نشأت بلاأهل» (برکات، ۲۰۱۸: ۱۳). (باید کمی فروتنی به خرج دهی. نه در حد خواری، فقط در حدی که احساس کنم کمی به من تعلق داری. نیازی نیست که بگویم من بدون خانواده بزرگ شدم). مجموع این گفته‌های شخصیت از حضور پررنگ طرح‌واره محرومیت هیجانی در ذهن وی حکایت دارد. درخواست از افراد مهم زندگی برای رفع نیازهای هیجانی جزء اموری است که افراد درگیر این طرح‌واره کمتر بدان می‌پردازند، همان‌گونه که بسامد این نوع رفتارهای ترحم‌جویانه در گفته‌های این شخصیت نیز به همین یک مورد محدود می‌شود.

۴-۶-۵. تحقیر دیگران

طرح‌واره مربوطه: نقص و شرم / سبک مقابله‌ای: جبران افراطی

افرادی که طرح‌واره نقص و شرم دارند عزت نفس پایینی دارند و «احساس می‌کنند عیب‌های زیادی دارند و از ارزش چندانی برخوردار نیستند» (یانگ و کلسکو، ۱۳۹۰: ۳۳). شخصیت مذکور نیز که از این طرح‌واره رنج می‌برد، از عزت نفس پایینی برخوردار است و این خود-ارج نهی ضعیف سبب شده که وی تمام تمرکز و توجهش را بر کاستی‌ها و نقص‌های خود بگذارد: «عدا ذلك، أنا متخلف، عدائي و عنيف، و فوق ذلك مدمن. و أجمل خيالاتي الجنسية تبدأ بأن أضعك بين ذراعي رجل آخر» (برکات، ۲۰۱۸: ۲۷). ترجمه: «به جز آن، من عقب‌مانده، کینه‌توز و خشن هستم، و فراتر از همه اینها معتادم؛ و زیباترین خیال‌های جنسیم این است که تو را در میان بازوان مرد دیگری قرار دهم». راهکار او برای مقابله با این طرح‌واره، جبران افراطی است. بدین گونه که در ذهن خود، غروری پوشالی برای خودش ساخته و هرگاه چنین بپندارد که شخصی قصد تحقیرش را دارد، هر چند که این تحقیر به شکل ناخواسته و غیرمستقیم باشد- به سبک جبران افراطی می‌کوشد تا وی را تحقیر نماید. یکی از موقعیت‌هایی که ممکن است شخص احساس کند غرورش جریحه‌دار شده است، زمانی است که با کسی طرح دوستی بریزد و «حس کند مجموعه شخصیت و خصوصیات اخلاقی یا سر و وضع، تحصیلات، حرف زدن، ثروت و خانواده آن شخص از وی برتر و ممتازتر است، عیناً مثل اینکه به وی توهین شده باشد، غرور به برتر و برجسته بودنش جریحه‌دار می‌گردد» (هورنای، ۱۳۶۱: ۱۰۷). همان‌طور که شخصیت مذکور

نیز پس از اندیشیدن به نکات مثبت طرف مقابل خویش، جایگاه خود ایده‌آلیش را در خطر دیده و برتری طرف مقابلش را نوعی توهین و تحقیر برای خود فرض کرده، بنابراین به قصد انتقام و تلافی می‌کوشد تا وی را به نوعی تحقیر کند:

«لا تحتاجين إلیّ کی تعرفی کم أنّک شهیّة، إذ یکفیک أنّ تری ذلک فی عیون الرجال. طبعاً تعرفین... لذا أبتعد عنک فوراً حالما تبدین فی شبق عنجهیّتک العالیة. أخذ کتاباً و نحن فی السریر، أو أذکرک بامرأة جمیلة کنا التقیناها معاً لأغمزک بعینی کأنّک صاحبی، لأنّمرجل معک حول قدرتی علی الغوایة و الإیقاع بالجمیلات» (برکات، ۲۰۱۸: ۱۳).

به من نیاز نداری تا بدانی که چقدر شهوت‌انگیز هستی، کافی است که آن را در چشمان مردان ببینی. حتماً می‌دانی... برای همین آنگاه که چیرگی شهوت جنسی فراوانت را آشکار می‌کنی، سریع از تو دور می‌شوم. همان‌طور که روی تخت هستیم کتابی را به دست می‌گیرم یا زنی زیبا را به یاد تو می‌آورم که باهم با او دیدار کردیم تا با گوشه چشمم طوری به تو نگاه کنم که انگار تو صاحب من هستی و آنگاه من هم در خصوص اینکه می‌توانم زنان زیبارو را مفتون خود کنم، لاف بزنم. در این بخش، خشم ناشی از شکسته شدن غرور فرد با میل تحقیر و تخفیف طرف مقابل توأم شده است؛ بنابراین تعمداً با بیان نکات مثبت زنان دیگر و نیز تواناییش در فریفتن آنان قصد دارد که از سویی احساس حسادت طرف مقابل را برانگیزد و از سوی دیگر وی را تحقیر نماید. این بخش متن، حکایت از این امر دارد که شخصیت مذکور در برابر طرح‌واره نقص خویش، از راهکار جبران افراطی در قالب خودشیفتگی و تحقیر طرف مقابل استفاده کرده است.

۴-۶-۶ داشتن انتظارات نابجا از دیگران

طرح‌واره مربوطه: طرد و رهاشدگی و محرومیت هیجانی / سبک مقابله‌ای: جبران افراطی. یکی دیگر از راهکارهای به کار گرفته شده جهت مقابله با طرح‌واره‌های رهاشدگی و محرومیت هیجانی، سرزنش دیگران به خاطر رها کردن یا نداشتن عشق و علاقه نسبت به خویش است، حتی اگر به اقتضای سبک‌های مقابله‌ای اخذ شده، خود سبب این رهایی شده باشد. همان‌گونه که این شخصیت پس از اشاره به ظلم‌های روا داشته بر طرف مقابل، از زبون و بی‌مقدار دانستن این عشق از سوی وی تعجب کرده و از او دل‌آزرده می‌شود: «کنت أرید أنّ أسألک کیف هان علیک کلّ هذا الغرام؟ ... کیف اعتبرته ناقصاً» (برکات، ۲۰۱۸: ۲۰). (می‌خواهم از تو بپرسم چگونه همه این عشق، بر تو خوار آمد؟... چگونه آن را ناقص دانستی؟). در حقیقت نیاز شخص عصبی به مهر و محبت دیگران، تبدیل به توقع مهر و محبت بی‌قیدوشرط شده است، این توقع دو مشخصه دارد، نخست اینکه بسیار خودخواهانه است؛ چراکه شخص انتظار دارد با وجود همه رفتارهای سادیسیمیش و بدون

اینکه خود هیچ‌گونه مهر و محبتی را نسبت به طرف مقابل ابراز کند، طرف مقابل به او عشق بورزد. مشخصه دوم این است که عصبی و نوروبتیک است، بدین معنا که برآورده نشدن آن مساوی است با احساس بی‌ارزشی و خود ایده‌آلی نبودن.

این توقع غیرواقع‌بینانه، نمایانگر سبک جبران افراطی است که این شخص برای مقابله با طرح‌واره محرومیت هیجانی و ره‌اشدگی از آن بهره می‌جوید.

۴-۶-۷. انتقام گرفتن از افراد بی‌گناه

طرح‌واره مربوطه: بی‌اعتمادی و بدرفتاری / سبک مقابله‌ای: جبران افراطی.

زندگی در محیطی بیگانه، این باور را به ذهن شخصیت تزریق کرده است که در دنیایی آکنده از خشونت زندگی می‌کند که در آن، همه انسان‌ها دشمن هم هستند و در نبردی بی‌پایان با یکدیگر به سر می‌برند: «فی معرکتی مع العالم أجمع؛ أن أحارب جیناتی أيضاً ... لماذا أنا فی معركة مع العالم أجمع؟ لا أدري، أسأل العالم. ربما لإحساسی بأنی فی معركة» (همان: ۲۲). ترجمه: «در جنگم با همه دنیا؛ با ژن‌هایم نیز می‌جنگم ... چرا من در جنگ با همه دنیا هستم؟ نمی‌دانم، از جهان بپرس. شاید به خاطر این است که احساس می‌کنم که من در جنگم». چنین طرز تفکری سبب شده که وی حالتی خصمانه به خود گرفته و در برابر تهدیدها از سبک مقابله‌ای جبران افراطی بهره‌جوید و در پی انتقام از اطرافیانش برآید؛ حال چه این افراد در این ناملايمات، نقشی داشته و چه نقشی نداشته باشند. از جمله این افراد معشوقه‌اش است که پیش‌بینی می‌کند وی نیز همچون مادر، او را طرد کند؛ بنابراین با رفتارهای آزاردهنده خویش، سعی در رنجیده‌خاطر کردن وی دارد، همان‌گونه که طرف مقابل او در بخشی از رمان به این شکنجه‌ها اشاره می‌کند: «حالما حسب أنه أوقعنی فی غرامه، أو فی سریره، بدأ تعذیبه لی؛ تعذیباً مبرمجاً» (همان: ۹۸). (به محض اینکه گمان می‌کرد مرا در دام عشق خود انداخته یا مرا در تختش انداخته است، شروع می‌کرد به شکنجه کردن، شکنجه‌ای برنامه‌ریزی‌شده). خود این شخصیت نیز در بخش‌های مختلف نامه‌اش به نمونه‌هایی از این دگرآزاری‌ها اشاره می‌کند، به عنوان مثال: «فی الواقع لست مسلماً و لن أسلیک... لآنی، بعودتی إلى إضجارک عن عمد» (همان: ۱۲). (در حقیقت من آدم شادی نیستم و تو را خرسند نخواهم کرد؛ زیرا عادت دارم که تو را از عمد آزار دهم). درون این شخصیت به دلیل داشتن گذشته تاریک، پر از احساس نفرت است؛ بنابراین برای انتقال عناد خویش، عامدانه با شخصی مهرطلب ارتباط برقرار کرده است تا بتواند، وی را، طعمه‌ای برای برون‌افکنی خشم و نفرت خویش قرار دهد و این‌گونه به جنگ با طرح‌واره بی‌اعتمادی و بدرفتاری خویش پردازد.

۴-۶-۸. درگیر شدن در الگوهای زندگی طرح‌واره-خاست

طرح‌وارهٔ مربوطه: طرح‌وارهٔ رهاشدگی و طرح‌وارهٔ نقص و شرم / سبک مقابله‌ای: تسلیم. وقتی بیماران، تسلیم طرح‌واره می‌شوند؛

«به‌طور مزمن و فراگیر در افکار، رفتارها، هیجان‌ها و روابطی درگیر می‌شوند که منجر به تداوم طرح‌واره‌هایشان می‌شود. بدین ترتیب، ناخواسته به بازآفرینی شرایطی در زندگی بزرگسالی خود می‌پردازند که اکثراً این شرایط در دوران کودکی به آن‌ها آسیب رسانده است» (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸).

شخصیت مذکور نیز در رابطه با شریک جنسی-عاطفیش به اشکال مختلف تلاش می‌کند تا شرایط را به گونه‌ای پیش ببرد که پاسخ‌های منفی وی را برانگیزاند و او را نسبت به خود دلسرد کند تا در نهایت، طرف مقابل وی را ترک گوید و بدین طریق شرایط ملالت‌بار دوران کودکی و طرح‌واره‌های مربوط به آن بازآفرینی شود. همان‌گونه که در این بخش می‌بینیم که پس از اعمال رفتارهای روان‌پریشانه متعدد، زمینه را برای طرد شدن از جانب معشوقه فراهم کرده و پس از رفتن او، در شرایط روحی مشابه دوران کودکی قرار گرفته است:

«حین آراک ورائی تسیرین فی الشارع فی الاتّجاه المعاکس عائده إلى بیتک، أنتفس الصّعاء. لن ترکبني امرأة رکبتها... أرفع یاقعة سترتی، أحاول أن أنتفس بعمق، لكنّ نوبات البكاء تغلبنی... لا شیء فیّ یسلّی النساء» (برکات، ۲۰۱۸: ۲۰).

(زمانی که تو را می‌بینم که در خیابان، پشت سر من، در جهت مخالف می‌روی، در حالی که به خانه‌ات برمی‌گردی، نفس عمیقی می‌کشم، هیچ زنی مثل تو، نمی‌تواند مرا اسیر خود کند، یقهٔ کتم را بالا می‌کشم و تلاش می‌کنم نفس عمیقی بکشم، ولی اشک امانم نمی‌دهد... من چیزی ندارم که زنان را خرسند کنم). در چنین شرایطی دو طرح‌وارهٔ رهاشدگی و نقص و شرم هم‌زمان فعال شده‌اند و این شخصیت در برابر آن‌ها تسلیم‌شده و همان تجارب و احساسات دوران کودکی‌اش بازآفرینی می‌گردد.

۴-۶-۹. تضاد بین خود واقعی درگیر طرح‌واره‌ها و خود ایده‌آلی ساختهٔ سبک‌های مقابله‌ای

سبک‌های مقابله‌ای به کار گرفته شده از سوی این شخصیت سبب شکل‌گیری خود ایده‌آلی در درون وی شده که از خود واقعیش که درگیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه است، فرسنگ‌ها فاصله دارد. این تعارض بین خود ایده‌آلی و خود واقعی منشأ آشفتگی‌ها و دوگانگی‌های بسیاری در درون وی شده است. نمونه‌ای از این تردیدها را در این بخش می‌توان دید: «هذا قانون الطبيعة، و کانت سترکنی و لم أکن لأحتمل ذلك. أنا حزین فعلاً، إذ أکتب إلیک عن تردّدی؛ عن رواحی و مجیئی بین راحة التخلّص منک و مأساة خسارتک و فشلنا معاً» (همان:

۲۱). (این قانون طبیعت است و مرا ترک خواهد کرد و تحمل آن را ندارم. من فعلاً غمگینم، آنگاه که از شکم بین رفتن و آمدن، بین آسایش رهایی از تو و فاجعه از دست دادنت و شکستمان چیزی بنویسم). در این بخش تضاد بین خود ایده‌آلی شخصیت که به راحتی با ترک یار کنار می‌آید با خود واقعی وی که تشنه محبت و توجه دیگران است و از این جدایی بسیار اندوهگین است، به‌وضوح به چشم می‌خورد. در حقیقت خود ایده‌آلی فرد هر چقدر تلاش کند تا تمایلات محبت‌آمیز را نفی کند، باز هم با یک گوشه ذهنش، وجود این تمایلات را حس می‌کند و از اینکه دیگران را از خود دور نگه می‌دارد، دچار عذاب وجدان و نوعی خشم درونی می‌شود: «حین آکون وحدی فی اللیل... یعدبنی آلا یکون لک مکان عندی و أن تقبلی بیقائک خارجا» (همان: ۲۴). (هنگامی که در شب تنها هستم... اینکه تو در کنارم جایی نداری و به پشت در ماندنت رضایت داده‌ام، عذابم می‌دهد). در این بخش، خود واقعی وی که خواهان دوست داشتن و دوست داشته شدن از جانب دیگران است، در تعارض با خود ایده‌آلیش قرار می‌گیرد که به سبک مقابله‌ای اجتناب و جبران افراطی روی آورده و از دوست داشتن دیگران طفره می‌رود.

نتیجه

واکاوی افکار و کردار نخستین شخصیت رمان *برید اللیل* از منظر روان‌شناسی و با تکیه بر نظریه طرح‌واره درمانی، به نتایج ذیل منتهی شد: استفاده از پیرنگ‌های روان‌شناسانه با تقویت شالوده رمان در باورپذیری و حقیقت‌مانندی آن بسیار اثرگذار بوده است. نویسنده به‌خوبی توانسته است فضایی مناسب جهت شکل‌گیری حوزه طرح‌واره طرد و بریدگی بیافریند. رها شدن در کودکی و رشد و نمو در محیطی فارغ از هرگونه محبت، بستری فراخور برای پدیدآیی این حوزه طرح‌واره است. در بررسی‌های صورت گرفته این نکته محرز شد که با وجود اینکه در بزرگسالی شرایط به گونه‌ای رقم خورده که زمینه برای بهبود طرح‌واره‌های شخصیت موردنظر وجود داشته، اما تحریف‌های شناختی ذهن وی مانع درک و لمس عشق و علاقه شریک جنسی - عاطفیش گشته و این عشق به جای بهبود طرح‌واره به تداوم آن کمک کرده است. از بین طرح‌واره‌های این شخصیت، طرح‌واره رهاشدگی و بی‌ثباتی با شدت بیشتری نسبت به سایر طرح‌واره‌ها فعال بوده و پس از آن طرح‌واره نقص و شرم، بیشترین بسامد را داشته است. درونی‌سازی رفتار مادر سبب شده که این شخصیت، از سبک جبران افراطی، بسیار بیشتر از سایر سبک‌های مقابله‌ای بهره‌جوید و همانند مادر، اطرافیان را رها ساخته و از مهر و محبت خویش محروم بگرداند. مشکلات فعلی شخصیت مذکور که در سه حیطة شناختی، عاطفی و بین‌فردی جای می‌گیرد، از طرح‌واره‌ها و سبک‌های مقابله‌ای وی نشأت می‌گیرد. بدین گونه که طرح‌واره‌ها، مشکلاتی را در بُعد شناختی و عاطفی او ایجاد کرده‌اند و

سبک‌های مقابله‌ای، تعامل وی با دیگران را دچار اخلاص کرده است. طرح‌واره‌ها، سبب پدیدآیی این افکار و احساسات نابهنجار شده‌اند: ۱. ترس رها شدن ۲. داشتن احساس نقص و شرم ۳. بدبینی نسبت به اطرافیان ۴. نگرانی برای مورد قبول واقع نشدن از جانب دیگران ۵. گرایش به تنهایی و ترس از داشتن روابط صمیمانه و پایدار. سبک مقابله‌ای جبران افراطی نیز سبب بروز این رفتارهای گاهی متضاد شده است: ۱. خودشیفتگی ۲. کوچک شمردن دیگران ۳. آزدن اطرافیان ۴. سرزنش‌های بی‌مورد دیگران ۵. داشتن انتظارات نابجا ۶. سنجیدن‌های پی‌درپی شریک عاطفی - جنسی ۷. رفتارهای ترحم‌انگیز. سبک مقابله‌ای تسلیم نیز منجر به قرار گرفتن در موقعیت‌های طرح‌واره برانگیزان شده و سبک مقابله‌ای اجتناب، مانع داشتن روابط صمیمانه با نزدیکان شده است و در نهایت از برخورد طرح‌واره‌ها با سبک‌های مقابله‌ای این شخصیت، تضاد و دویاری ایجاد شده که علت اصلی پریشان‌حالی و رفتارهای روان‌نژدانه وی گشته و نحوه تعامل او با محیط پیرامونی را تحت تأثیر قرار داده است.

منابع

- برکات، هدی (۲۰۱۸)، *برید اللیل*، بیروت، دار الآداب للنشر و التوزیع.
- _____ (۱۳۹۸)، *پست شبانه*، ترجمه سها بعنونی، قشم، انتشارات امیرصدرا
- بیرامی، منصور؛ اسمعیلی کورانه، احمد، (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین ریشه‌های تحولی (شیوه‌های فرزندپروری) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی - طرد، خودگردانی و عملکرد مختل در مدل طرح‌واره یانگ»، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، سال هفتم، شماره ۲۸، ۸۲-۶۵.
- جکوب، گیتا و همکاران (۱۳۹۶)، *غلبه بر افکار منفی، احساس حقارت و بی‌ارزشی (درمان طرح‌واره‌ای)*، ترجمه سیاوش جمالفر، تهران، ویرایش.
- خجوی، زینب، ایزدی‌خواه، زهرا (۱۳۹۷)، «نقش واسطه‌ای سبک دلبستگی ناایمن - دوسوگرا در اثر طرد ادراک شده از سوی مادر بر طرح‌واره‌های رهاشدگی و محرومیت هیجانی در زنان»، *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۱۴، ۴۵-۵۸.
- زین، هدی (۲۰۰۷)، *الأدب النسائي المعاصر فی سوريا و لبنان*، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- صالحی، پیمان، باقری، گلثوم (۱۴۰۰)، «تحلیل شخصیت اصلی رمان آیام معه بر اساس نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو»، *ادب عربی*، سال ۱۳، شماره ۴، ۸۷-۱۰۷.
- قهاری، شهربانو (۱۳۹۶)، *تغییر طرح‌واره‌ها*، تهران، رشد.
- عباس، فیصل (۱۹۹۶)، *التحليل النفسي و الإتجاهات الفرویدية*، بیروت، دارالفکر العربی.
- عموری، نعیم و همکاران (۱۳۹۹)، «تحلیل روانکاوی شخصیت و باورها در رمان النهایات عبدالرحمن منیف»، *ادب عربی*، دوره ۱۲، شماره ۴، ۷۹-۵۹.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴)، *ادبیات داستانی*، تهران، سخن.

نایت، رکس و مرجیت نایت (۱۹۹۳)، *مدخل الى علم النفس الحديث*، تعريب عبدالعلى الجسماني، لبنان، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.

هورنای، کارن (۱۳۶۱ الف)، *تضادهای درونی ما*، ترجمه محمدجعفر مصفا، تهران، بهجت.

_____ (۱۳۶۱ ب)، *عصبيت و رشد آدمی*، ترجمه محمدجعفر مصفا، تهران، بهجت.

یانگ، جفری و ژانت کلسکو (۱۳۹۰)، *زندگی خود را دوباره بیافرینید*، ترجمه حسن حمیدپور و همکاران. چاپ چهارم، تهران، کتاب ارجمند.

یانگ، جفری و همکاران (۱۳۹۱)، *طرحواره درمانی؛ راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران، ارجمند.

Sources

- Abbas, F. (1996), *Psychoanalysis and Freudian Trends*, Beirut, Darelfikrelarab, [In Arabic].
- Amouri, N. Ahmadyan, Z. (2021), A Psychanalytic Analysis of the Characters and Beliefs in Novel Al-Nahayat by Abdul Rahman Munif, *Arabic Literature*, V12 (4), 59-79, [In Persian].
- Barakat, H. (2018), *Barid al-layl*, Beirut, Dar al-adab or publishing & distribution, [In Arabic].
- _____ (2019), *Barid al-layl*, Translate by S. Banoni, Qeshm, Amirsadra publisher, [In Persian].
- Bayrami, M. Smaeili, A. (2012), Relationship between Parenting style and Early Maladaptive Schema in Disconnection, Rejection and Impaired Autonomy and Performance in Young Schema Model, *Journal of Modern Psychological Researches*, V7 (28), 65-82, [In Persian].
- Ghahari, Sh. (2017), *Change Schemans*, Tehran, Roshdpress, [In Persian].
- Hoda, Z. (2007), *Contemporary Womans literature in Syria and Lebanon*, Cairo, General egyption Book Organization, [In Arabic].
- Horney, K. (1982A), *Our Inner Conflicts*, Translate by M, Mosaffa, Tehran, Behjat Book publisher, [In Persian].
- _____ (1982B), *Neurosis and Human Growth*, Translate by M, Mosaffa, Tehran, Behjat Book publisher, [In Persian].
- Jacob, G. (2017), *Breaking Negative Thinking Patterns*, Translated by S. Jamalfar, Tehran, Virayesh, [In Persian].
- Khajavi, Z. (2018), The mediating role of insecure- ambivalent attachment style in the effect of perceived maternal rejection on abandonment and emotional deprivation schema in woman, *Researches of Cognitive and Behavioral Science*. V14 (1), 45-58, [In Persian].
- Nayt, R. Nayt, N. (1993), *Introduction to Modern Psytchology*, Translate by al-Jesmani, Lebanon, Arab Institute for Research & Publishing, [In Arabic].
- Mirsadeghi, J. (2015), *Fiction*, Tehran, Sokhan publisher, [In Persian].
- Salehi, P. Bagheri, G. (2021), The Analysis of Protagonist in the Novel Ayyām Ma‘ah based on Abraham Maslow’s Self-Actualization, *Arabic Literature*, V13 (4), 87-107, [In Persian].
- Young, J. Klosko, J. (2011), *Reinventing Your Life*, Translate by H. Hamidpour, Fourth edition, Tehran, Arjmandpub, [In Persian].
- Young, J. (2002), *Schema Therapy, A Practitioners Guide*, Translated by H. Hamidpour. z. Andouz, Tehran, Arjmandpub, [In Persian].